



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی  
رشته پژوهشگری علوم اجتماعی  
پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

عنوان:

**میزان خشونت خانگی علیه زنان مراجعه‌کننده به کلانتری‌ها، شوراهای  
حل اختلاف و مراکز بهزیستی شهر خرم‌آباد  
و عوامل موثر بر آن در سال ۹۰-۸۹**

استاد راهنما:

دکتر محمد مظلوم خراسانی

استاد مشاور:

دکتر حسین بهروان

دانشجو:

مجتبی میرزایی مهر

بهمنماه ۱۳۸۹

## فهرست مطالب

چکیده ..... ۱

### فصل اول: کلیات تحقیق

مقدمه ..... ۲

۱-۱ بیان مسأله ..... ۲

۱-۲ ضرورت تحقیق ..... ۵

۱-۳ اهداف تحقیق ..... ۷

۱-۴ تعریف مفاهیم ..... ۷

۱-۵- تاریخچه موضوع ..... ۱۴

۱-۵-۱- وضعیت زنان از دیرینه سنگی تا دومین انقلاب نوسنگی ..... ۱۵

۱-۵-۲- وضعیت زنان از دومین انقلاب نوسنگی تا دوره باستان ..... ۱۶

۱-۵-۳- وضعیت زنان از قرن ۵ تا قرن ۱۵ ..... ۱۷

۱-۵-۴- وضعیت زنان در قرن ۱۷ و ۱۸ ..... ۱۷

۱-۵-۵- وضعیت زنان در قرن ۱۹ و ۲۰ ..... ۱۸

۱-۵-۶- تاریخچه وضعیت زنان در ایران ..... ۲۰

۱-۵-۶-۱- وضعیت زنان در آئین زرتشت ..... ۲۱

۱-۵-۶-۲- وضعیت در دوران حکومت ساسانی ..... ۲۱

۱-۵-۶-۳- موقعیت زنان در اسلام ..... ۲۳

۱-۵-۶-۴- وضعیت زنان در ایران تا زمان پهلوی ..... ۲۴

۱-۵-۶-۵- وضعیت زنان در قبل و بعد از انقلاب ..... ۲۶

۱-۶- پیشینه تجربی موضوع در جهان ..... ۲۸

۳۹-۱-۷- پیشینه تجربی موضوع در ایران.....

۴۶-۱-۸- جمع بندی پیشینه ها.....

### فصل دوم: مبانی نظری تحقیق

۵۱..... مقدمه.....

۵۱-۲-۱- نظریه یادگیری اجتماعی.....

۵۲-۲-۲- نظریه جامعه پذیری جنسیتی.....

۵۴-۲-۳- نظریه نظارت اجتماعی.....

۵۵-۲-۴- نظریه فمینیستی.....

۵۶-۲-۵- نظریه منابع.....

۵۷-۲-۶- نظریه کالینز و تاملین.....

۵۸-۲-۷- نظریه نقش اجتماعی.....

۶۸-۲-۸- چارچوب نظری.....

۶۴-۲-۹- فرضیات تحقیق.....

۶۵-۲-۱۰- مدل تحقیق.....

### فصل سوم: روش تحقیق

۶۷..... مقدمه.....

۶۷-۳-۱- روش انجام تحقیق.....

۶۷-۳-۱-۱- ابزار گردآوری اطلاعات.....

۶۷-۳-۲- جامعه آماری.....

۶۸-۳-۱-۲- حجم نمونه.....

۶۹-۳-۳- مفاهیم مورد استفاده در تحقیق.....

۶۹-۳-۳-۱- مفهوم متغیر وابسته.....

۷۱	..... متغیرهای مستقل پژوهش ۲-۳-۳
۷۱	..... اقتدار ۱-۲-۳-۳
۷۱	..... تعداد سال های ازدواج ۲-۲-۳-۳
۷۲	..... گرانباری نقش ۳-۲-۳-۳
۷۳	..... اختلاف سنی بین زوجین ۴-۲-۳-۳
۷۳	..... تجربه خشونت در کودکی ۵-۲-۳-۳
۷۴	..... سن ۶-۲-۳-۳
۷۴	..... تفسیر ناسازگار از نقش ۷-۲-۳-۳
۷۵	..... اعتبار ۴-۳
۷۵	..... پایایی ۵-۳
۷۶	..... محاسبه آلفای کرونباخ برای متغیرهای مستقل و وابسته ۶-۳

### فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۷۸	..... مقدمه ۷۸
۷۸	..... توصیف متغیرهای زمینه ای ۱-۴
۷۹	..... توصیف متغیر شغل ۲-۴
۷۹	..... توصیف متغیرهای زمینه ای کمی ۳-۴
۸۰	..... توصیف متغیرهای مستقل ۴-۴
۸۲	..... توصیف متغیر وابسته و ابعاد آن ۵-۴
۸۴	..... توزیع پایگاه اقتصادی اجتماعی شوهر پاسخگویان ۶-۴
۸۵	..... ضریب همبستگی متغیر وابسته با متغیرهای مستقل ۷-۴
۸۶	..... همبستگی بین متغیرهای مستقل ۸-۴

۸۸	..... ۹-۴- تحلیل رگرسیون چندگانه
۸۹	..... ۱۰-۴- تحلیل مسیر
۹۲	..... ۱۱-۴- نمودار تحلیل مسیر

### فصل پنجم: نتایج و بحث

۹۴	..... ۱-۵- نتایج
۹۶	..... ۲-۵- بحث
۹۹	..... ۳-۵- راهکارها و پیشنهادات
۱۰۰	..... منابع و مأخذ
۱۰۴	..... ضمائم

### جداول

۴۶	..... جدول ۱-۱- خلاصه پیشینه داخلی
۴۸	..... جدول ۲-۱- خلاصه پیشینه خارجی
۶۸	..... جدول ۱-۳- جامعه آماری
۷۰	..... جدول ۲-۳- عملی سازی سازه خشونت خانگی
۷۲	..... جدول ۳-۳- عملی سازی سازه اقتدار
۷۳	..... جدول ۴-۳- عملی سازی سازه گرانباری نقش
۷۴	..... جدول ۵-۳- عملی سازی سازه تجربه خشونت در کودکی
۷۴	..... جدول ۶-۳- عملی سازی سازه تفسیر ناسازگار از نقش
۷۶	..... جدول ۷-۳- آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل
۷۶	..... جدول ۸-۳- آلفای کرونباخ متغیر وابسته وابعاد
۸۶	..... جدول ۱-۴- توصیف سواد پاسخگویان
۷۸	..... جدول ۲-۴- توصیف شغل پاسخگویان

- جدول ۳-۴- توصیف متغیرهای زمینه ای کمی ..... ۷۹
- جدول ۴-۴- توصیف متغیرهای مستقل ..... ۸۰
- جدول ۵-۴- توصیف متغیرهای وابسته وابعاد ..... ۸۲
- جدول ۶-۴- توزیع پایگاه اقتصادی اجتماعی شوهر پاسخگویان ..... ۸۴
- جدول ۷-۴- ضریب همبستگی بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل ..... ۸۵
- جدول ۸-۴- ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل ..... ۸۶
- جدول ۹-۴- رگرسیون چندگانه ..... ۸۸
- جدول ۱۰-۴- تحلیل مسیر ..... ۹۰
- جدول ۱۱-۴- ضرایب مستقیم و غیر مستقیم تحلیل مسیر ..... ۹۲

## چکیده

در این تحقیق، میزان خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد از طریق پژوهش کمی و پیمایشی (تهیه پرسشنامه از ۲۱۰ نفر زن مورد خشونت واقع شده) با روش نمونه گیری طبقه ای، بررسی شده است. در چهارچوب نظری، از نظریه های نظارت اجتماعی، یادگیری اجتماعی، نظریه های نقش، نظریه رندل کالینز و ملوین تامین و نظریه منابع بهره گرفته شده است. بر اساس یافته های تحقیق، میزان خشونت خانگی در بازه (۱-۵)، معادل ۳/۹۰ بوده که در حد بالایی باشد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می دهد که بین خشونت خانگی و ابعادش (روانی کلامی، فیزیکی مستقیم و غیر مستقیم و خشونت اقتصادی - اجتماعی) با اقتدار شوهر، تفسیر ناسازگار از نقش، گرانباری نقش، اختلاف سنی زوجین و تجربه خشونت در کودکی رابطه مستقیم و با پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر رابطه معکوس وجود دارد. هم چنین بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه، متغیرهای اقتدار شوهر، تفسیر ناسازگار از نقش، گرانباری نقش و پایگاه اجتماعی - اقتصادی شوهر رابطه مستقیم و معنادار دارند و این در حالی است که بر اساس تحلیل مسیر، متغیرهای اختلاف سنی زوجین و تجربه خشونت در کودکی بر خشونت خانگی دارای تاثیری غیرمستقیم می باشند.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، اقتدار، تفسیر ناسازگار از نقش، گرانباری نقش، تجربه خشونت در کودکی

## مقدمه

خانواده، این واحد به ظاهر کوچک اجتماعی از بنیاد های عمده و نهاد های پایه ای هر جامعه به حساب می رود. در واقع خانواده را باید خشت بنای جامعه، کانون نگهبانی سنت ها، و ارزش های والا و مورد احترام، شالوده ای استوار از مناسبات پایدار اجتماعی و پیوند های خویشاوندی، آغازگاه بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط میان افراد و مهد پرورش فکر و اندیشه و اخلاق و تعالی روح انسانی دانست.

در بیشتر آموزه های الهی به ویژه در مکتب انسان ساز اسلام همواره به نقش خانواده در حفظ سلامت روانی و امنیت و آرامش روحی و تحکیم روابط اجتماعی اشاره شده است. به دلیل جایگاه خانواده، سال ۱۹۹۴ سال جهانی خانواده نام گذاری و سازمان ملل نیز به دلیل جایگاه والای خانواده، ۱۵ مه (۲۰ اردیبهشت) هر سال را روز جهانی خانواده نامیده است. محیط خانواده می تواند بنا به دلایلی متشنج شود و در معرض آفت ها و آسیب ها قرار گیرد و بدین سان کارکرد مثبت و طبیعی خود را از دست بدهد و حالتی انحرافی به خود بگیرد. یکی از این انحراف ها «خشونت خانگی» است که آثار ویران گر بر پیکره ی این نظام بنیادی داشته و به درستی با مفهومی که از خانواده برشمردیم همخوانی ندارد. «این پدیده پیشینه ای به درازای کهن ترین افسانه دارد، از دیدگاه تاریخی شاید بتوان نخستین پیشینه ی خشونت را در اسطوره های دینی همچون هابیل و قابیل جست.» (فوروارد، ۱۳۷۷: ۱۵) در این فصل با بررسی مسئله خشونت خانگی و بحث در مورد اهمیت و ضرورت آن اهداف خود را از انجام این پژوهش بیان خواهیم کرد.

## ۱-۱- بیان مساله



با مراجعه به تاریخ هنگامیکه انسان در قالب زن و مرد با پانهادن به کره خاکی زندگی فردی و اجتماعی خود را آغاز کردن از آن زمان تا کنون جوامع بشری شاهد انواع خشونت پنهان و آشکار علیه قشر عظیمی از بشریت یعنی زنان بوده است که این خشونت ها در اشکال مختلف آن، بخشی ریشه فرهنگ و سنت دارد و بخشی حاصل تداوم تبعیض علیه زنان در ساختار حقوقی، اقتصادی و سیاسی جامعه است. چیزی که امروزه از آن تحت عنوان خشونت خانگی<sup>۱</sup> نام می برند در واقع سوء رفتاری است که از جانب یکی از اعضای خانواده (اغلب مرد) بر یک عضو یا اعضای دیگر خانواده اعمال می شود و این خشونت ابزاری برای تثبیت قدرت مردانه و نمایی از سلطه جویی است که طرف مقابل (قربانی خشونت) در این رابطه فاقد ارزش و اعتبار انسانی می شود. به طور کلی خشونت خانگی، بخصوص خشونت مرد علیه زن پدیده ی جدیدی نیست و اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد، خشونت خانگی در تمام کشورهای دنیا و در میان تمام اقوام مختلف دیده می شود و خاص کشور، فرهنگ یا قوم خاصی نیست. «این مساله اجتماعی در نتیجه پژوهش های انجام شده در ابعاد جهانی و در تمام جوامع یکی از مهمترین عوامل بروز بسیاری از نا بهنجاری ها و آسیب های اجتماعی تشخیص داده می شود.» (آقاییگویی، ۱۳۷۹: ۷۷) آمار و اطلاعات استخراج شده از مطالعات گوناگون ما را به سمت این مطلب هدایت می کند که خشونت علیه زنان مسأله ای جهانی است و در تمام کشورهای دنیا (توسعه یافته و در حال توسعه) مشاهده می شود و بر اساس درک زود هنگام کشورهای غربی بود که آنها در بررسی این پدیده از ما جلو افتادند، هرچند که بطور کامل نتوانسته اند آن را ریشه کن کنند.

فرهنگ حقوقی بلک<sup>۲</sup> خشونت را استفاده نابجا و غیر قانونی و تعارض آمیز فرد قوی بر علیه فرد ضعیف تعریف می کند (بلک، ۱۹۹۰: ۱۷۵). در سرتاسر جهان هر روز رسانه های عمومی آمار تکان دهنده ای از خشونت علیه

---

<sup>۱</sup>Domestic Violence

<sup>۲</sup>Black

زنان ارائه می دهند: «مطابق آمار های سازمان ملل متحد از هر ۳ زن یک زن در طول عمر خود مورد ضرب و شتم قرار گرفته یا مجبور به تمکین می شود» (سام گیس، ۱۳۷۷: ۱۵) داده های یکی از سایت های مبارزه با خشونت علیه زنان<sup>۳</sup>، واقعیت های شگفت آوری را از بروز خشونت خانگی در آمریکا بیان می کند که به قرار زیر هستند: هر ساله ۴ میلیون زن از همسران خود کتک می خورند، یعنی در آمریکا در هر ۱۵ دقیقه یک زن از شوهرش کتک می خورد. ۳۰ تا ۳۵ درصد زنان آمریکایی مورد آزار جسمی شوهران خود قرار می گیرند. «در کلمبیا بیش از ۲۰ درصد زنان مورد آزار لفظی یا روانی شوهران خود قرار می گیرند، در سانتیاگو شیلی ۶۳ درصد از زنان مورد آزار جسمی قرار می گیرند، ۴۱ درصد از زنان هند بر اثر آزار جسمی همسران خود دست به خود کشی می زنند. در گینه نو ۶۷ درصد از زنان روستایی و ۵۳ درصد از زنان شهری مورد خشونت قرار گرفته اند، ۶۲ درصد از مقتولان زن در سال ۱۹۸۷ میلادی در کانادا توسط شوهران خود کشته شده اند، در بنگلادش بیش از ۵۰ درصد قتل های زنان ناشی از خشونت مردان است» (سام گیس، ۱۳۷۷: ۱۶). مهشید فروغان (عضو هیات علمی دانشگاه بهزیستی) می گوید: «برآوردهای جهان حاکی از آن است که میزان مرگ و میر و ناتوانی حاصل از خشونت علیه زنان با مرگ و میر و ناتوانی حاصل از سرطان برابر بوده و از عوارض ناشی از سوانح رانندگی بیشتر بوده است.» (فروغان، ۱۳۸۰: ۶)

در کشور ایران نیز مانند سایر کشورهای دنیا این مسأله اجتماعی وجود دارد اما متأسفانه به دلیل خصوصی بودن حریم خانه آمار دقیق و معتبری از فراوانی و درصد خشونت در دسترس نیست لذا نمی توان با دقت در مورد این مسأله اجتماعی و علل آن صحبت کرد. استان در حال توسعه لرستان از جمله استان های است که بخشی از جمعیت مراکز شهری آن را عشایر و روستاییان تشکیل می دهند، که مدت زیادی از شهرنشینی آنها نمی گذرد از یک سوء بعضی از اعضای این خانواده ها خواهان حفظ ارزش های سنتی و اقتدار طلبانه ایلی و عشایری و از یک سو رفتار به

---

<sup>3</sup>www.rainin.org

سبک زندگی شهری مدرن می باشند که این امر سبب بروز مشکلات عدیده ای از جمله کشمکش، نزاع، خشونت، طلاق و... در این خانواده ها شده است. خشونت خانگی به عنوان یک معزل در سطح این استان صرف نظر از هر دیدگاهی فراوان و بصورت یک مساله اجتماعی قابل مشاهده می باشد. اما متأسفانه تا به حال پژوهش های اندکی در این مورد انجام شده است که خود جای سؤال دارد. « براساس نتایج حاصل از یک تحقیق در مورد خود کشی که در استان بوسيله استانداری استان لرستان انجام شده است بیشترین علت روی آوری زنان به خود کشی، خشونت فیزیکی مردان علیه زنان خود بوده است. » (طهماسبی، ۱۳۸۲: ۱) در تحقیقی که توسط دفتر پژوهش صدا و سیما مرکز لرستان در مورد طلاق در سه شهر خرم آباد، بروجرد و الیگودرز انجام شده است، نشان می هد که ۸۰/۳ درصد پاسخگویان (زنان مطعلقه) مورد خشونت شوهران خود قرار گرفته اند همچنین آمار معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان لرستان می دهد که در طول سال ۱۳۸۸ تعداد پرونده های مربوط به خشونت شوهر علیه همسر (ضرب و شتم زن) در سطح منطقه انتظامی شهر خرم آباد برابر با ۱۰۲۴۹ پرونده بود است. ملاحظه آمار مزبور نشان می دهد که خشونت خانگی در سطح شهر خرم آباد بالا می باشد و به یک مساله اجتماعی تبدیل شده است. با توجه به اثرات مخربی که این مساله بر زن به عنوان یک مادر و یک همسر و به دنبال آن اثرات منفی آن بر کارکرد خانواده، در این تحقیق به دنبال این هستیم که عوامل مؤثر بر خشونت خانگی کدام هستند؟

## ۱-۲- ضرورت تحقیق

به طور کلی مساله اجتماعی که حاصل روابط انسانی است و با زمینه های ارزشی که روابط انسانی در درون آنها جریان می یابد پیوند دارد، نشان دهنده ناسازگاری بنیادی میان استانداردهای اجتماعی مشترک با هنجارهای گروه مسلط جامعه و شرایط زندگی اجتماعی می باشد، که خود جامعه را به طور جدی تهدید می کند و یا مانع تحقق تمنیات عده کثیری از مردم می شود. مساله اجتماعی هنگامی متجلی می شود که ارزشها کم رنگ شده و تمهیدات

فرهنگی و قدرتی که جامعه برای تنظیم روابط متقابل افراد دارد با شکست روبه رو شود در نتیجه کارکرد نهادهای آن کارا نبوده و قوانین و هنجارهای حاکم مورد بی احترامی قرار می گیرد و انتقال ارزش های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر با مشکل مواجه می شود. یکی از نهادهای اجتماعی که کارکرد آن نقش مهمی را می تواند در بروز موارد یاد شده داشته باشد، نهاد خانواده<sup>4</sup> است. خانواده عنصر اصلی جامعه است که براساس محبت، عاطفه و وابستگی بنا گردیده است، در ایران بسیاری از آسیب های اجتماعی در ارتباط با خانواده است مسائلی همچون فرار دختران، اعتیاد فرزندان، خودسوزی دختران، خودکشی جوانان، افزایش طلاق و خشونت خانگی به خانواده بستگی دارد. مسائل مربوط به خانواده ها را می توان به احتمال بسیار به شرایط زندگی اعضاء آن ربط داد و از طریق شناخت علمی است که می توان ریشه های آسیب های خانوادگی را شناسایی نمود و راهکارهای را برای از بین بردن آن به خانواده ها ارائه داد تا در آینده از پیدایش آسیب های خانوادگی جلوگیری شود. توجه علمای علوم اجتماعی به پدیده خشونت خانگی باعث شده است که خشونت خانگی از یک مشکل کم اهمیت و درونی شده به یک مسئله اجتماعی قابل توجه تبدیل گردد، چرا که سلامت جامعه با سلامت خانواده پیوند مستقیم دارد با توجه به اهمیت خانواده در جامعه ضرورت پرداختن به یکی از مشکلات مهم آن یعنی خشونت خانگی که پیامدی چون نابسامانی خانوادگی را محتملا به دنبال خواهد داشت موجه می نماید (اعزازی، ۱۳۸۰). به طور کلی می توان گفت که شناخت عوامل جامعه شناختی اثر گذار بر خشونت خانگی حداقل دارای ۲ فایده و اهمیت زیر می باشد:

۱- خانواده های درگیر خشونت را یاری می کند تا با مشکل پیش آمده مقابله کنند.

۲- با شناسایی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی، سازمان ها و نهادهای مسئول هم چون نیروی انتظامی، صدا سیما، قوه قضائیه، بهزیستی و... را در تهیه خط مشی های مناسب برای کمک به خانواده های درگیر خشونت یاری می نماید.

---

<sup>4</sup>Family

### ۱-۳- هدف تحقیق

اهدافی که این تحقیق دنبال می کند عبارتند از:

۱- شناخت میزان خشونت خانگی در شهر خرم آباد در سال ۱۳۸۹.

۲- شناخت عوامل موثر بر خشونت خانگی بر علیه زنان در شهر خرم در سال ۱۳۸۹.

### ۱-۴- تعریف مفاهیم

برای اینکه بتوان به یک تعریف واحد از خشونت دست یابیم، باید این نکته را نیز یاد آور شویم که رفتارهای متفاوتی که همه آنها را تحت عنوان خشونت می آورند تابع انگیزشها اهداف و نیات مشترکی نیست، بنابراین برای تعریف مفهوم خشونت باید این تمایزات را در نظر گرفت. ساده ترین تعریف برای خشونت می تواند (عملی که به آسیب رسانی عمدی به دیگران منتهی می شود) باشد البته این آسیب رسانی می تواند به شیوه ها و اشکال مختلف از قبیل آزارهای روانی نظیر تحقیر، توهین و فحاشی نیز باشد اما اگر بخواهیم دقیق تر بگویم خشونت متضمن آسیب های جسمانی بیشتری می باشد.

خشونت<sup>۵</sup>: خشونت به معنای وسیع کلمه به هر نوع سوء استفاده از قدرت یا اعمال فشار اطلاق می شود، به عنوان مثال طغیان را نوعی انعکاس در برابر قدرت می پندارند که جامعه در برابر گروه های محروم خود اعمال می دارد معنای محدود و دقیق آن بدرفتاری، ضرب و جرح یا وارد آوردن آسیب های اجتماعی همراه با کلمات مستهجن نظیر فحش و توهین است. (ستوده، ۱۳۷۲: ۲۰۵) خشونت: رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می زند و دامنه تغییرات آن از تحقیر و توهین و تجاوز و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است. خشونت

---

<sup>5</sup>Violence

رفتاری است که در همه کشورها وجود دارد و دیده می شود و بر قربانیان آن همه روزه افزوده، موجب اضطراب مردم و احساس ناامنی آنها به ویژه گروه های ضعیف تر و آسیب پذیر تر مانند زنان و کودکان، سالخوردگان و گروه های اقلیت که قربانیان ستم پذیر نابرابری اجتماعی می شود. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۵۶)

هر عمل خشونت بار بر پایه ی جنسیت که احتمالاً<sup>۶</sup> و یا به طور حتم منجر به صدمات فیزیکی، جنسی یا روانی یا عذاب زنان شود. (توکاس<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰: ۱۰۲۴) کایتانو<sup>۷</sup> خشونت خانگی را بطور کلی اینچنین تعریف می کند: «رفتارهای تهاجمی یا اجباری که بزرگسالان علیه همسران خود به کار می برند» (کایتانو، ۲۰۰۹: ۱۳۱۸). خشونت فیزیکی: «هر گونه درگیری فیزیکی و برخورد شخصی اعم از کتک کاری، هل دادن و غیره را خشونت فیزیکی می گویند» (حسنی، ۱۳۸۸: ۴۶) خشونت فیزیکی: «هر گونه برخورد فیزیکی مانند کتک کاری علیه همسر توسط شوهر می باشد حال این کتک کاری با استفاده از اشیاء باشد یا توسط خود شخص انجام پذیرد» (موسی زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۲). خشونت خانگی: «به عنوان رایج ترین خشونت علیه زنان و یک معضل مهم سلامت عمومی است و عبارت است از استفاده از قدرت بطور مستقیم و غیر مستقیم از جانب شوهر برای پیشبرد امیال خود علی رغم میل باطنی همسر» (جسمانی، ۱۳۸۹: ۵۱). خشونت روانی: «عبارت است از فحاشی، داد زدن، حرف زدن و هر گونه کاری که موجب بر هم زدن امنیت روانی فرد می شود» (گیویان، ۱۳۸۹: ۶۵). به طور کلی می توان با استناد به تعاریف بالا خشونت خانگی را این چنین تعریف کرد: سوء رفتار فیزیکی، جنسی و روانی که توسط یکی از زوجین علیه دیگری در روابط روماتیک اعمال می شود که در اکثر غریب به اتفاق موارد این سوء رفتار از طرف مردان بر علیه زنان خود اعمال می شود که اصولاً دارای ابعاد فیزیکی، اقتصادی-اجتماعی و روانی عاطفی می باشد.

---

<sup>۶</sup>Tokuc

<sup>۷</sup>Caetano

از مفهوم خانواده<sup>۸</sup> تعارف متعددی توسط جامعه شناسان به عمل آمده است که نشان دهنده اهمیت این موضوع در نزد آنان می باشد. در واقع هر خانواده را خشت بنای هر جامعه و کانون اصلی حفظ سنت و رسوم و ارزش های والای مورد احترام و شالوده مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی و روابط خویشاوندی به حساب آورد. شاید به همین دلیل است که هیچ جامعه شناسی نتوانسته که خود را از توجه و علاقه به مطالعه خانواده بر کنار دارد. اما با توجه به نوع روابط زندگی در ایران به تعریف خانواده و دو نوع متداول خانواده در ایران یعنی خانواده هسته ای و گسترده می پردازیم. «خانواده واحدی است اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، تربیتی، حقوقی، روانی، و جامعه شناختی. خانواده نمادی است اجتماعی، چون همانند آئینه ای عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و انعکاسی از نابسامانی های اجتماعی است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۶). «خانواده عبارت است از یک واحد اجتماعی که از ازدواج یک مرد و یک زن بوجود می آید و فرزندان حاصل از ازدواج زن و مرد آنرا تکمیل می نمایند.» (طاهری، ۱۳۷۰: ۱۴). «خانواده مجموعه ای پیچیده ای است از انواع روابط، روندها و پدیده هایی<sup>۹</sup> مختلف؛ به عبارت دیگر خانواده نظامی است در حیات اجتماع که در آن مناسبات جسمی و روانی، اقتصادی و اخلاقی، فرهنگی و غیره باهم گره خورده و مجموعه ای یک پارچه را تشکیل داده است» (تقوی، ۱۳۷۹: ۶). «خانواده یک واحد اجتماعی است که بوسیله ی خون، ازدواج و فرزندخواندگی به هم مرتبط می شوند. در جامعه و محیط "بتوانا" خانواده ها براساس ساختار و نوع باهم متفاوت هستند. ۳. نوع خانواده داریم: ۱. خانواده گسترده ۲. خانواده هسته ای و ۳. خانواده ی تک والدینی. دلیل وجود خانواده ی تک والدینی طلاق، مرگ و دور از خانواده زندگی کردن و هرگز ازدواج نکردن است. گاهی اوقات خانواده تک والدی را با اسم خانواده "صفر زوجی"<sup>۱۰</sup> می شناسیم. لغت خانوار در این مطالعه به معنی مکانی است که اعضای مختلف خانواده در آن زندگی میکنند.» (فانی، ۲۰۰۴: ۲۸۲). خانواده گسترده یا پدرسالار: «این نوع

<sup>۸</sup>Family

<sup>۹</sup>Phenomena

<sup>۱۰</sup>Single Parent Family

خانواده با وجود تمام تفاوت‌های که بر حسب نواحی مختلف جهان و طی مراحل تاریخی پدیدار گردیده و دارای دو ویژگی می باشد: اول آن که شامل سه نسل و بیشتر می باشد که با هم زیر یک سقف زندگی می کنند و بر یک محور فعالیت تولیدی جهت مصرف ( واحد تولیدی - مصرفی) زندگی می کنند. دوم آن که تمرکز قدرت در دست پدر خانواده و انتقال آن به پسر ارشد ( سلسله مراتب سنی - جنسی) می باشد «(اعزازی، ۱۳۸۷: ۲۵). خانواده گسترده: «یعنی آن نوع خانواده ای که چند نسل با یکدیگر و بطور مشترک در یک جا زندگی می کنند، چنین خانواده‌ای در گذشته فراوانی بیشتری را به خود اختصاص داده است یعنی تولیدات سنتی، اقتصاد کشاورزی، زندگی همراه با دامداری، تولیدات خانگی و امثال آنها زمینه پا برجای چنین خانواده ای را فراهم می کرد» (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۴). بطور کلی می توان گفت خانواده گسترده خانواده ای است که در آن چند نسل با هم در یک محیط ساکن هستند و تحرک جغرافیای در بین آنها بصورت خاص وجود ندارد و قدرت به صورت عمودی و در اختیار مردان و بر اساس سلسله مراتب سنی می باشد، در این نوع خانواده بر روابط خویشاوندی اهمیت ویژه ای داده می شود و بیشتر این نوع از زندگی خانوادگی تا قبل از انقلاب صنعتی در اروپا و در ایران تا قبل از ورود ماشین آلات صنعتی و شهرنشینی وجود داشته و امروزه کمتر و در بعضی از مناطق روستای و بیشتر در میان کوچ نشینان و عشایر این نوع از خانواده ها به چشم می خورد.

خانواده هسته ای: «منظور از این نوع خانواده افرادی هستند که بطور نسبی یا سببی ( بر حسب خون یا قانون) به سوی یک هدف مشترک با یکدیگر زندگی می کنند.» (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۴) خانواده هسته ای: «نوع آرمانی خانواده در علوم اجتماعی است که معمولاً ناظر به یک زوج نا همجنس، خواه با تعداد محدودی فرزند است که شوهر نان آور خانواده و زن مراقب فرزندان می باشد.» (برناردز، ۱۳۸۴: ۳۳۸). خانواده هسته ای: « عبارت است از یک واحد اجتماعی که از ازدواج یک مرد و یک زن بوجود می آید و فرزندان حاصل از ازدواج زن و مرد آنرا تکمیل می نمایند



«(طاهری، ۱۳۷۰: ۱۴). خانواده هسته ای: «عبارت است از رابطه دوجانبه دوجنسیتی زن و مرد که زیر یک سقف و بطور معمول جدا از والدین زن و شوهر و اصولاً با فرزندان خود زندگی می کنند» (عسگری، ۱۳۸۹: ۵۸) « خانواده ی هسته ای از دو نسل خانوار تشکیل شده است والدین و فرزندان بیولوژیکی آنها. خانواده های گروهی و گسترده به عنوان دو نوع متفاوت تلقی میشوند، اما هر دو گروه از افرادی تشکیل شده اند که بواسطه ی ازدواج و فرزندان بیولوژیکی به هم مرتبط هستند. خانواده ی گسترده از این جهت با خانواده ی مشترک متفاوت است که معمولاً از ساختاری سه نسلی که از لحاظ نسب خویشاوندی پدر بزرگ مادر بزرگ، والدین و نوه ها و حتی اگر نسل چهارمی وجود داشته باشد را شامل میشود. در طرف دیگر خانواده ی مشترک معمولاً از دو برادر متاهل و خانواده هایشان که در یک مکان زندگی می کنند تشکیل شده است و نسل سومی هم وجود ندارد» (آناند<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴: ۴۵۴).

با توجه به تعاریفی که از خانواده ارائه شده در بالا نشان از پیچیدگی این مفهوم به ظاهر ساده دارد با توجه به تعاریف بالا می توان خانواده را چنین تعریف کرد: خانواده یک نهاد اجتماعی است که حداقل از یک زن و مرد که بصورت قانونی با هم پیوند دارند و دارای تعدادی فرزند که اغلب فرزندان بیولوژیکی آنها و در بعضی مواقع فرزندان که از طریق فرزند خواندگی وارد خانواده می شوند و در زیر یک سقف و مشترک با هم زندگی می کنند. در بعضی از خانواده ها والدین شوهر یا همسر نیز به همراه آنها زندگی می کنند.

برای بررسی اقتدار و قدرت در خانه و خانواده باید دانست که افراد انسانی در محیط اجتماعی خواه در خانواده و خواه در جامعه با یکدیگر دو نوع ارتباط برقرار می کنند. یک نوع ارتباط در جهت پیوستگی و وفاق است که همه را به سوی همانندی و همراهی می کشاند و از جمله این امور تعاون و همکاری است؛ نوع دیگر ارتباط متقابل افراد بصورت گسسته و مقابله ای است که این امر از میل به رقابت سرچشمه می گیرد و به صورت ستیز و خشونت و

---

<sup>11</sup>Anand

جنگ خود را نشان می دهد. نوع اول تقابل، خانواده، جامعه و جهان را به سوی صلح و آرامش و سکون سوق می دهد و نوع دوم به سوی بحران تشنج، کشمکش و مقابله می کشاند. «از نظر ماکس وبر قدرت عبارت است از این احتمال که شخص در رابطه اجتماعی قادر باشد اراده اش را در تعقیب اهداف عمل - صرف نظر از هر نوع مقاومتی - اعمال کند. (آبر کرامبی، ۱۳۷: ۲۹۶)

« بطور کلی انسان برتری می جوید خواه معنوی و خواه مادی و این برتری همان قدرت است. که برای انسان ارزشی را تشکیل می دهد. قدرت ذاتاً دارای اثر دو گانه مثبت و منفی است؛ اثر مثبت از آن حاکم و قدرتمند است و اثر منفی اش به کسی که تحمل حکومت و قدرت را می کند تعلق می گیرد.» (صدر نبوی، ۱۳۷۰: ۱۵۱)

معمولاً در اکثر موارد دو قطب یعنی قدرتمند و کسی که تحمل قدرت را می کند دیده می شود حتی در خانواده و در بین زن و شوهر «هر چند علی الظاهر خانواده کانون عشق و محبت بوده و واژه قدرت بیشتر در بیان روابط گروه های سیاسی و اقتصادی به کار می رود و طرح آن در مورد مسائل خانواده نامانوس به نظر می رسد؛ اما اگر بپذیریم که خانواده تشکیل شده از اعضای است که منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را می طلبد و گاه و بیگاه به خاطر تضاد بر سر منافع با یکدیگر به مبارزه و جدال علنی و غیر علنی می پردازند، در خواهیم یافت که عنوان کردن و اعمال واژه قدرت در بین مرد و زن در خانواده به وجود می آید. چون هر کدام از این دو برای احراز منزلت مهمتری از طریق توسل به امکانات مالی و فرهنگی و اخلاقی در مسلط شدن بر دیگری و نیل به اهداف خویش تلاش می کنند گاه این نبرد بر سر تعیین تکلیف فرزندان در انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب همسر، گاه بر سر سیادت تام در خانواده و زمانی به خاطر مسائل عاطفی و غیره اتفاق می افتد» (صدر نبوی، ۱۳۷۰: ۳۳۰)

فاصله سنی: «مطالعات در فرانسه و ایالات متحده نشان می دهد که با ادامه ازدواج خشنودی روبه کاهش می رود و.... و هر چه از زمان ازدواج می گذرد رضایت و سازگاری زن و شوهر کاهش می یابد.» (میشل، ۱۳۵۴: ۲۰۲-۲۰۳).

البته در مقابل این نظریه یک نظریه دیگر وجود دارد و آن این است که « هرچه مدتی که طی آن اعضای یک نظام اجتماعی با هم تماس داشته اند طولانی تر باشد توافق آنها درباره موقعیت ها درباره نظام بیشتر خواهد شد و... و هنگامیکه توافق به درجه بالایی دست می یابد، اعضای گروه از موقعیت خود احساس رضایت بیشتری دارند» (روش بلاواسطه، ۱۳۷۲: ۲۱۷). بنابراین دو نظر در این زمینه هست نظر اول این است که همراه با زیاد شدن طول زمان ازدواج زندگی تلخ می شود و نظر دوم این است که هرچه دوران زناشویی سپری شده بیشتر باشد افراد با هم توافق بیشتری خواهند داشت پس راضی ترند و زندگی شیرین تر می شود.

آیا رابطه ای بین میزان فاصله سنی زوجین و موفقیت زناشویی هست؟ پاسخ به این پرسش چندان مشخص نیست.» در بعضی از جوامع همسان همسری به موفقیت زناشویی کمک کرده است» (شهابی، ۱۳۷۲: ۵۰). گویا رابطه بین خشونت علیه زن و تفاوت سنی بستگی به نوع جامعه و فرهنگ جامعه ای دارد که فرد در آن زندگی می کند. در خیلی از موارد زمانی که سن مرد بیشتر است، زن به اقتدار شوهر کردن می نهد، همانطور که یک کارمند در خصوص اینکه رئیسش در خصوص سیاست های آینده شرکت با وی مشورت نمی کند خود را ناراحت حس نمی کند؛ چون او از رئیسش چنین انتظاری را ندارد. بیشتر بودن سن مرد نسبت به زن زمینه توزیع نابرابر قدرت و... و در نهایت خشونت را فراهم می کند.

## ۱-۵- تاریخچه موضوع

یکی از موانع مهم برخورد با مساله فراگیر ضرب و شتم زن به دست شوهر، پذیرفتن تلویحی آن و سرپوش گذاشتن بر روی این اقدام خلاف است، در همه اعصار کسی بوده که برده ها را بکشد و موضوع را فیصله بدهد، کسی بوده که به دور از چشم دیگران و به دور از سر و صدا به مساله رسیدگی کند. کتک خوردن زن به دست شوهرش تاریخچه و سوابقی دارد که عمده اسناد و مدارکی از آن برجای گذاشته اند، قوانین قضایی قرنهایست که از کنار خشونت بر علیه زنان بادیده اغماض گذشته اند. "در جریان بازدید از یک کتابخانه بزرگ معلوم شد که هیچ کتاب و سندی درباره تاریخچه کتک خوردن زنان از ناحیه شوهرانشان وجود ندارد، کتابدارها، انسان شناسان و صاحب نظران در امر تاریخ هم اطلاعی در این زمینه نداشتند سایر پژوهشگران هم به نبود مدرک و مطالب درباره کتک خوردن زنان پی برده اند، استاین مترواشر اوس خاطر نشان می کنند در جایی ندیدیم که مطلب قابل توجهی درباره کتک خوردن زنان وجود داشته باشد اشر اوس در مقدمه کتاب خانه پر خشونت اثر گلز نبود پژوهش در این زمینه را بی توجهی انتخاب شده می نامد. "(دیویدسون، ۱۳۷۷) نیکولز، پژوهشگر اجتماعی در نشریه ای می نویسد: «به هیچ مقاله ای در نشریات حرفه ای در زمینه سوء رفتار در ازدواج برنخوردیم و این در حالی است که پرونده های ادارات پلیس انباشته از شکایات درباره ضرب و شتم زنان به دست همسران آنهاست، اما به رغم نبود مدارک، تاریخچه ای وجود دارد، وقتی که از این تاریخچه پرده بر می داریم با یک شوک فرهنگی مواجه می شویم بعضی از کشورهای که ما آنها را مهد تمدن می دانیم و برخی از موسسات به شدت محترم از لحاظ معنوی مورد اتهام قرار می گیرند.» (همان منبع: ۳۰) حق امتیاز کتک زدن به راستی موضوعی قدیمی است که شاید لازم باشد به دوهزار قبل از میلاد مسیح باز گردیم، در آن دوران سرزمین های که اروپا را تشکیل می دادند یا بی خدا بودند یا ارباب النواع در آنجا مؤنث بود. اروپا در عصر حجر جدید و نیز سوریه و لیبی، زمینه های از مذهب را که مبتنی بر پرستش الهه مادر بود به نمایش می گذاشتند انواع اسطوره های آفرینش بر حول الهه ای می گشت قدرتمند و مهربان بود، رب النوع علاقه ای به